

سفرهای پرماجرایی داری و ناری

دیداری شگفت با

بزرگ‌گهر حکیم

استاد اخلاق

ابوالقاسم فیض آبادی

تصویرگر: میثم خانکشلو





سرشناسه: فیض آبادی، ابوالقاسم، ۱۳۳۳ - □ عنوان و نام پدیدآور: دیداری شگفت با استاد اخلاق بزرگمهر حکیم،
ابوالقاسم فیض آبادی. □ مشخصات نشر: تهران: نخستین، ۱۳۹۲ □ مشخصات ظاهری: ۶۴ ص. مصور، گروست:
سفرهای پر ماجرای داری و ناری. آشنایی با اندیشمندان و مشاهیر ایران. نشر نخستین. شابک:
۸ - ۰۶۲ - ۱۲۷ - ۶۰۰ - ۹۷۸ □ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا. □ موضوع: داستان‌های فارسی
قرن ۱۴ موضوع: بزرگمهر. □ شناسه افزوده: منجزی، فرمهر، ۱۳۳۹ - ، ویراستار.
خاکشلو، میثم، تصویرگر. رده‌بندی کنگره: ۹۴۱۳۹۲ د ۶۲۱۳ ی/۸۱۶۹/ PIR
رده‌بندی دیویی: ۳/۶۲ تا ۸ □ شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۶۵۸۹۹



نشر نخستین

کودک و نوجوان

آشنایی با اندیشمندان و مشاهیر ایران



سفرهای پرماجراهای داری و ناری

دیداری شگفت با

استاد اخلاق بزرگمهر حکیم

نویسنده: ابوالقاسم فیض آبادی

تصویرگر: میثم خانکسلو

ویراستار: فرمهر منجزی □ مدیر بخش ادبی: رضا طاهری

اجرای کامپیوتری: امیر قشقایی □ چاپ اول: پاییز ۱۳۹۲

لیتوگرافی: نگین □ چاپ: تصویر □ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه



تهران: خ. ۱۲ فروردین، جنب خیابان روانمهر

پلاک ۲۲۷ طبقه اول / کد پستی: ۱۳۱۱۵ - ۱۳۱۴۷

تلفن: ۶۶۴۹۸۱۴۸ تلفن و نمابر: ۶۶۴۱۸۹۷۹



www.nashrenakhostin.com

E-mail: nakhostinpub@yahoo.com

شماره پیامک: ۳۰۰۰۵۳۳۳۵۰۰۳۳۳

حق چاپ محفوظ است.

به گفتار داندگان راه جوی

سخنی با شما

این پنجمین سفر از سفرهای پر ماجرای داری و ناری است. امیدوارم تا این جای کار با شخصیت‌های داستان‌ها همراه شده و از این مجموعه خوشتان آمده باشد.

مجموعه‌ی حاضر چکیده‌ای است از زندگی اندیشمندان و مشاهیر ایران در قالب داستان و ماجراهایی که داری و ناری پی می‌گیرند.

شما هم می‌دانید؛ دانسته‌های ما از زندگی برخی اندیشمندان، کم و دربارهی برخی آن قدر زیاد است که می‌توان چند کتاب درباره‌شان نوشت. با این حال سعی کردم با گشودن دریچه‌ای هر چند کوچک، شما را با پیشینه‌ی علمی، ادبی و تاریخی آشنا کنم.

خواندن قصه‌ها و حکایت‌ها این فرصت را به ما می‌دهد که از لابه‌لای کلمه‌ها و جمله‌ها، به زشت و زیبای تاریخ

پی برده و به واقعیت‌ها آن‌گونه که بوده و هست برسیم. بنابراین توجه به اندیشه و زندگی اندیشمندان، که سرمایه‌ای عظیم برای این مرز و بوم هستند، می‌تواند سرزمینی باشد برای تلاش در راه سربلندی میهن و رسیدن به سعادت و خوشبختی. و من خود در هنگامه‌ی این خواندن و نوشتن‌ها، بارها از ایرانی بودن احساس غرور کردم.

انتشار چهار جلد از این مجموعه، فرصتی بود تا با فکر و اندیشه‌ی شما عزیزان آشنا شوم. و هنگامی که خوشحالی و استقبال‌تان را می‌بینم، احساس می‌کنم در این راه تنها نبوده‌ام.

همین‌جا در فرصت پیش آمده، ضمن تشکر و سپاس ویژه از سرکار خانم فرمهر منجزی، از همه‌ی عزیزانی که در شکل‌گیری و انجام این مجموعه یاری‌ام کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. دوست عزیز آقای رضا طاهری و آقایان خانکشلو و قشقایی تصویرگر و طراح، دوست دبستانی‌مان آقای بنیامین عبدلی و بچه‌های دیگری که نسخه‌های پیش از چاپ را می‌خوانند.

و پیشاپیش از همه‌ی فرزندان این سرزمین سپاسگزارم.

پیروز و سربلند باشید

ابوالقاسم فیض‌آبادی

در دیداری شگفت با ابوعلی سینا خواندید که داری و ناری با پدر و مادرشان به خانه‌ی مادر بزرگشان در ظریف‌آباد رفتند و با سرک کشیدن به زیرزمین خانه‌ی مادر بزرگ یک صندوق چوبی قدیمی پیدا کردند. در این صندوق با قفلی دست‌ساز بسته شده بود. صندوق روکش چرمی داشت و با فلزهای رنگی تزیین شده بود.

داری که از قفل‌های قدیمی چیزهایی می‌دانست، با چرخاندن کلید مخصوص توی قفل، صندوق را باز کرد. صندوق پر بود از اشیای قدیمی که بیشتر مال پدر بزرگ بود؛ از لوازم تعزیه‌خوانی گرفته تا کتاب‌های قدیمی. در میان کتاب‌ها، بچه‌ها کتابی پیدا کردند که عنوان آن، شرح حال اندیشمندان و مشاهیر ایران بود.

بچه‌ها بر پایه‌ی فهرست کتاب به دوران ابوعلی سینا سفر کردند. آن‌ها در معالجه‌ای از معالجه‌های ابن سینا حاضر شدند.

در کتاب دیداری شگفت با زکریای رازی بچه‌ها با حکیم

محمدبن زکریای رازی در شفاخانه‌ی ری دیدار کردند.

استاد از شیوه‌های درمان و کشف‌هایش گفت. زکریای رازی برای مادر بزرگ جعبه‌ی ادویه فرستاد. بعد بچه‌ها از او خدا حافظی کردند و به زیرزمین خانه‌ی مادر بزرگ بازگشتند.

در کتاب دیداری شگفت با حکیم عمر خیام، بچه‌ها با حکیم در منزلش دیدار کردند. در این دیدار بچه‌ها از ماجرای سه یار دبستانی و سیاست و تدبیر خواجه نظام‌الملک شنیدند. بچه‌ها به گاوگانه زیرزمینی خانه‌ی حکیم رفتند و از نزدیک با تحقیقات او آشنا شدند. در کتاب دیداری شگفت با سلطان سخن فردوسی، بچه‌ها به خانه‌ی فردوسی در یک روستای قدیمی رفتند. از قصه‌های شاهنامه پرسیدند و پاسخ گرفتند.

حکیم در آخر به بچه‌ها گفت، حال که می‌توانند به زمان افراد مختلف بروند، بد نیست دیداری هم با بزرگمهر حکیم داشته باشند.